



نشریه علمی صنعت ساختمان
سال ۱۴۰۵، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۲۰-۲۷
آدرس نشریه: <https://jci.tvu.ac.ir>

doi 10.22034/jci.2026.2085931.1039

مقاله پژوهشی



بحران هویت در معماری معاصر ایران؛ تقلید، جهانی شدن و فراموشی بوم گرایی

نویسندگان: حسن فریدون زاده^{۱*}، امیر محمد جهاننده^۲، حسام فریدون زاده^۳، امیر مهدی حشمتی^۴

۱- استادیار معماری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران
۲- دانشجوی معماری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران
۳- دانشجوی معماری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران



کلمات کلیدی:

معماری معاصر
بحران هویت
جهانی شدن
بوم گرایی

دریافت: ۰۳ اسفند ۱۴۰۴

پذیرش: ۱۶ تیر ۱۴۰۵

انتشار الکترونیکی: ۰۱ تیر ۱۴۰۵

نویسنده مسئول: حسن فریدون زاده



hferidonzadeh@tvu.ac.ir*

چکیده:

هدف این پژوهش، تبیین رابطه مفهومی میان زمینه گرایی و هویت معماری و ارزیابی میزان انطباق معماری معاصر ایران با اصول زمینه گرا است. معماری معاصر ایران در دهه های اخیر با نوعی بحران هویت مواجه شده که در قالب یکنواختی فضایی، غلبه رویکردهای فرم محور و گسست از بسترهای فرهنگی و اقلیمی نمود یافته است. یکی از عوامل بنیادین این وضعیت، کم رنگ شدن نقش «زمینه» در فرآیند طراحی معماری است. در این میان، زمینه گرایی نه صرفاً به عنوان یک گرایش زیبایی شناختی، بلکه به مثابه چارچوبی تحلیلی و راهبردی می تواند امکان باز تعریف نسبت معماری با محیط طبیعی، ساختار اجتماعی و حافظه تاریخی را فراهم سازد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل مفهومی، مطالعات اسنادی و بررسی تطبیقی نمونه های رایج ساخت و ساز شهری است. در گام اول، مؤلفه های نظری زمینه گرایی استخراج و با مؤلفه های هویت در معماری ایرانی مقایسه شد؛ در گام دوم، وضعیت معماری معاصر بر اساس این چارچوب مورد تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد که غلبه الگوبرداری غیرانتقادی و توجه افراطی به جلوه های صوری، موجب تضعیف پیوند ارگانیک میان فرم، عملکرد، اقلیم و فرهنگ شده و بحران هویت را تشدید کرده است. در مقابل، رویکرد زمینه گرا با تأکید بر خوانش بستر، تداوم فرهنگی و پاسخ گویی اقلیمی، ظرفیت قابل توجهی برای بازآفرینی هویت در معماری امروز ایران فراهم می آورد. بر این اساس، زمینه گرایی به عنوان نظامی تحلیلی می تواند چارچوبی مؤثر برای ارتقای کیفیت هویتی معماری معاصر ایران باشد.

۲- طرح مسئله

معماری معاصر ایران در دهه های اخیر با گسستی عمیق از منطق تاریخی و هویتی معماری ایرانی مواجه شده است. این گسست صرفاً در ظاهر و نما مشهود نیست، بلکه در لایه های بنیادین تر همچون سازمان دهی فضا، الگوی سکونت، رابطه ی درون و بیرون، مقیاس انسانی و نحوه ی مواجهه با اقلیم نیز نمود یافته است. معماری ایرانی نه به عنوان نظامی زنده و قابل باز تفسیر، بلکه به مثابه میراثی متعلق به گذشته تلقی شده و عملاً از جریان تولید فضای معاصر حذف شده است.

غلبه ی الگوهای معماری غربی در بستر جهانی شدن و تحت تأثیر منطق اقتصادی ساخت و ساز، باعث شکل گیری فضاهایی شده است که فاقد پیوند با فرهنگ، حافظه ی جمعی و نیازهای زیستی جامعه ایرانی هستند. نتیجه این روند، ظهور معماری ای همگن و بی ریشه است که نه تنها سیمای شهر را دچار یکنواختی کرده، بلکه کیفیت تجربه ی زیستن انسان در فضاهای معماری را نیز با چالش مواجه ساخته است. برآیند این کاستی ها، از وجود خلأیی بنیادین در درک و بازنمایی هویت در معماری معاصر ایران حکایت دارد؛ خلأیی که نه در سطح فرم، بلکه در لایه های عمیق تر اندیشه ی معماری ریشه دارد و طرح پرسش اصلی پژوهش را به ضرورتی اجتناب ناپذیر بدل می سازد.

سؤال اصلی پژوهش:

چرا معماری معاصر ایران، علی رغم برخورداری از پیشینه ای غنی، از هویت بومی خود فاصله گرفته و تحت سلطه ی الگوهای معماری غربی قرار گرفته است؟

سوالات فرعی پژوهش:

۱. هویت در معماری ایرانی دارای چه مؤلفه هایی است و این مؤلفه ها در معماری معاصر

۱- مقدمه

معماری همواره فراتر از یک فعالیت صرفاً فنی بوده و در طول تاریخ، به عنوان آینه ای از فرهنگ، اندیشه و شیوه ی زیست جوامع انسانی عمل کرده است. هر بنای معماری، حامل معنا و هویتی است که ریشه در تاریخ، اقلیم و نظام ارزشی جامعه ی خود دارد. با این حال، معماری معاصر ایران در دهه های اخیر با وضعیتی مواجه شده است که در آن، این پیوند معنادار به تدریج تضعیف شده و فضاهای ساخته شده بیش از آن که بازتاب دهنده ی هویت ایرانی باشند، به نمونه هایی تقلیدی و بی ریشه بدل گشته اند.

گسترش الگوهای معماری وارداتی، به ویژه نماهای موسوم به رومی و فرم های برگرفته از جریان های غالب معماری غرب، در کنار شتاب روزافزون جهانی شدن، سبب شده است تا بسیاری از بناهای معاصر بدون توجه به بستر فرهنگی، تاریخی و اقلیمی ایران شکل گیرند. این روند، معماری را از نقش بنیادین خود به عنوان عنصر هویت ساز و معناآفرین فاصله داده و فضاهایی را پدید آورده است که نه توان ایجاد حس تعلق دارند و نه پاسخ گوی نیازهای واقعی جامعه ی ایرانی هستند.

پیامد چنین رویکردی، صرفاً محدود به آشفته گی سیمای شهری و یکنواختی فرم ها نیست، بلکه در سطحی عمیق تر، به گسست میان انسان و محیط زیست گاه او منجر شده است؛ گسستی که کیفیت تجربه ی زیستن در شهرهای معاصر را به طور جدی تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو، بررسی بحران هویت در معماری معاصر ایران و واکاوی عوامل مؤثر بر آن، از جمله تقلید، جهانی شدن و فراموشی بوم گرایی، ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می آید؛ ضرورتی که این مقاله در پی پاسخ گویی به آن است.

درون‌گرایی و خلوت‌گرایی: طراحی فضاها حول محور حیاط مرکزی، توجه به حریم خصوصی و تعامل خانوادگی

-سلسله‌مراتب فضایی: تقسیم فضاها بر اساس اهمیت عملکردی و اجتماعی
-اقلیم‌گرایی و مصالح بومی: استفاده از مصالح محلی، تهویه طبیعی، نورپردازی مناسب و تطابق با شرایط محیطی

-پیوند با فرهنگ و سبک زندگی: طراحی متناسب با رفتارها، رسوم و نیازهای جامعه
-نماد و معنا: به‌کارگیری نشانه‌های فرهنگی، هندسه و الگوهای معماری معنایی
این مؤلفه‌ها نشان می‌دهند که معماری ایرانی نه صرفاً مجموعه نماها و تزئینات، بلکه یک نظام فکری و فضایی است که تجربه انسانی و هویت اجتماعی را شکل می‌دهد.

۳-۳- زمینه‌گرایی و رابطه آن با هویت رتبه

زمینه‌گرایی (Contextualism) به عنوان رویکردی تحلیلی و طراحی، بر تطابق بنا با بستر طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تأکید دارد. این رویکرد در تحلیل معماری معاصر ایران اهمیت ویژه دارد زیرا:

-طراحی بدون توجه به زمینه باعث فقدان هویت و یکنواختی شهری می‌شود.
-زمینه‌گرایی امکان تلفیق مؤلفه‌های معماری ایرانی با نیازهای معاصر را فراهم می‌کند.
-زمینه‌گرایی در سطح فرم، عملکرد، فرهنگ و معنا می‌تواند به کاهش بحران هویت کمک کند.

-در این چارچوب، زمینه‌گرایی نه تنها یک رویکرد فرم‌محور بلکه یک نظام تحلیلی برای فهم رابطه معماری با محیط و جامعه است. [۶، ۷، ۸].

۳-۴- بحران هویت در معماری معاصر ایران

باوجود پیشینه تاریخی غنی، معماری معاصر ایران با گسست هویتی عمیق مواجه است:

- تقلید از سبک‌های غربی: برج‌های شیشه‌ای، نماهای رومی و آپارتمان‌های استاندارد بدون توجه به اقلیم و فرهنگ.

- اقتصادسرمایه‌محور صنعت ساختمان: تمرکز بر سود کوتاه‌مدت و کاهش کیفیت فضایی
- ضعف‌سیاست‌گذاری و آموزش معماری: فاصله میان تئوری و عمل و کم‌توجهی به مؤلفه‌های بومی.

پیامدها شامل بی‌هویتی شهری، یکنواختی فضاها و کاهش کیفیت تجربه زیستی است. این بحران نشان می‌دهد که هویت در معماری امروز ایران فقط در سطح نما یا فرم نیست، بلکه در لایه‌های عمیق فرهنگی، عملکردی و اجتماعی گسسته شده است.

۴- تحلیل تطبیقی و چارچوب مفهومی پژوهشی

برای تحلیل بحران هویت، پژوهش حاضر از سه محور بهره می‌برد:

۴-۱- تحلیل مفهومی هویت: بازخوانی نظریه‌های هویت در معماری و ارتباط آن با فرهنگ، جامعه و تجربه زیست انسانی.

۴-۲- تحلیل مؤلفه‌های معماری ایرانی: بررسی عمق مؤلفه‌های بومی و مقایسه با روندهای غالب در معماری معاصر.

۴-۳- زمینه‌گرایی و تحلیل تطبیقی: شناسایی فاصله میان اصول معماری ایرانی و پروژه‌های غیرزمینه‌گرا، بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، صنعتی و سیاست‌گذاری بر شکل‌گیری بحران هویت.

این چارچوب مفهومی، پایه‌ی تحلیل وضعیت معماری معاصر ایران را فراهم می‌کند و امکان بررسی سیستماتیک عوامل بحران هویت را ایجاد می‌نماید.

۵- هویت در معماری: مفاهیم، ابعاد و اهمیت

هویت در معماری مفهومی پیچیده، چندلایه و پویاست که فراتر از فرم و تزئینات ظاهری بنا تعریف می‌شود. هویت، تجلی فرهنگ، تاریخ، تجربه زیستی و ارتباط انسانی با محیط است و نشان‌دهنده پیوند معماری با جامعه، طبیعت و معنای جمعی انسان‌هاست. در حوزه پژوهش‌های معماری، هویت نه به‌عنوان یک ویژگی ایستا، بلکه به‌عنوان فرآیندی پویا، انعطاف‌پذیر و زمان‌مند مورد توجه قرار می‌گیرد که در طول تاریخ و در تعامل با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و محیطی شکل می‌گیرد.

ابعاد هویت در معماری

۵-۱- هویت فرهنگی: بازتاب ارزش‌ها، باورها، رسوم و سبک زندگی یک جامعه در فضا.

تا چه اندازه نادیده گرفته شده‌اند؟

۲. چه سازوکارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در حذف معماری ایرانی از فرآیند طراحی معاصر نقش داشته‌اند؟

۳. غلبه‌ی الگوهای معماری غربی چه تأثیری بر کیفیت فضاهای زیستی و تجربه‌ی انسان از معماری معاصر ایران گذاشته است؟

۴. آیا بازخوانی و معاصرسازی اصول معماری ایرانی می‌تواند به احیای هویت در معماری امروز ایران منجر شود؟

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از رویکرد کیفی و تحلیل زمینه‌گرایی در معماری بهره می‌برد تا بحران هویت در معماری معاصر ایران را با تأکید بر نسبت آن بابس‌تر (context) و ساختار صنعت ساختمان مورد بررسی قرار دهد. رویکرد زمینه‌گرایی، به‌عنوان چارچوبی که بر تعامل میان بنا و زمینه فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی تأکید می‌کند، مبنای تحلیل در این تحقیق قرار گرفته است

مرحله اول: تحلیل مفهومی و استخراج چارچوب زمینه‌گرایی

در این مرحله، با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به بازخوانی نظریه زمینه‌گرایی پرداخته شد؛ گرایشی که معماران را به تحلیل و پاسخ‌گویی به زمینه‌های کالبدی، اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی در فرآیند طراحی تشویق می‌کند. این تحلیل مفهومی، مبنای نظری برای تعریف مؤلفه‌های معماری زمینه‌گرا فراهم می‌سازد و با مقایسه این مؤلفه‌ها با مؤلفه‌های هویت در معماری ایرانی، چارچوب مفهومی پژوهش شکل می‌گیرد. [۱، ۲، ۳].

مرحله دوم: تحلیل تطبیقی وضعیت معماری معاصر ایران با رویکرد زمینه‌گرایی

در این مرحله، بر اساس چارچوب زمینه‌گرایی، وضعیت معماری معاصر ایران مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد. این تحلیل بر اساس مطالعه‌ی نمونه‌های رایج ساخت‌وساز شهری، الگوهای طراحی غالب و شیوه‌های اجرا در صنعت ساختمان انجام شده است. هدف از این بخش، مقایسه‌ی میزان تطابق گسست میان اصول زمینه‌گرایی (مانند توجه به اقلیم، فرهنگ و بستر) و عملکرد واقعی پروژه‌ها در معماری معاصر ایران است. این بررسی نقش «زمینه» را در معماری امروز روشن‌تر می‌کند. [۴، ۵].

مرحله سوم: تحلیل ساختاری و تبیین عوامل شکل‌گیر بحران هویت

در این مرحله، نتایج بدست‌آمده از مراحل قبل در بستری انتقادی تحلیل می‌شوند تا عوامل ساختاری بحران هویت، از جمله سازوکارهای اقتصادی، سیاست‌گذاری صنعت ساختمان، و رویکردهای طراحی غیرزمینه‌گرا آشکار شود.

تحلیل ساختاری نه به‌صورت توصیفی، بلکه در چارچوبی نظام‌مند انجام می‌شود تا نشان دهد چگونه فقدان توجه واقعی به زمینه‌های فرهنگی و اقلیمی، منجر به بحران هویت در معماری معاصر ایران شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مفهوم هویت در معماری

هویت در معماری فراتر از فرم و نماست و به فرهنگ، تجربه زیستی و تعامل انسان با محیط مرتبط است. هویت یک ویژگی ثابت نیست، بلکه فرآیندی پویا است که در طول زمان و در تعامل با تاریخ، جامعه و محیط شکل می‌گیرد. در ادبیات معماری، هویت در سه بعد قابل بررسی است:

۱. هویت فرهنگی: بازتاب ارزش‌ها، باورها و سنت‌های جامعه در ساختار فضا هم‌شکلی (تشابه) مسکن در ساخت‌وسازهای روستا از نظر شکل و فرم، نشان می‌دهد که افراد تمایل به برپایی مسکن هماهنگ با دیگر اعضای جامعه دارند، بنابراین عامل هم‌شکلی باعث بروز هنجار در برپایی مسکن می‌شود [۲۲]

۲. هویت فضایی: سازمان‌دهی فضا، سلسله‌مراتب فضایی و روابط بین اجزا و محیط
۳. هویت عملکردی و تجربه‌ای: نحوه تجربه انسان از فضا، کیفیت زندگی و حس تعلق
هویت، به‌عنوان معیاری برای کیفیت فضایی و تجربه انسانی، در طراحی معاصر اهمیت ویژه‌ای دارد. فقدان توجه به هویت موجب بی‌هویتی، یکنواختی و کاهش کیفیت تجربه زیستی می‌شود.

۳-۲- مؤلفه‌های هویت در معماری ایرانی

هزاران سال توسعه یافته و شامل مؤلفه‌های کلیدی زیر است:



فضا منجر شود. از این منظر، تقلیل هویت به سطح نما یا سبک، موجب فروکاست مفهوم معماری به ظواهر صوری شده و کیفیت فضایی و تجربه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تفاوت هویت با سبک

نقش هویت در معماری ایرانی

سبک معماری بیانگر ویژگی‌های صوری و زبان فرمیک بناست، در حالی که هویت نظامی عمیق‌تر و معنایی‌تر است. ممکن است دو ساختمان دارای نمای مشابه باشند، اما در میزان انطباق با زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی تفاوت داشته باشند و در نتیجه هویت‌های متفاوتی تولید کنند. بنابراین، هویت در پیوند با زمینه شکل می‌گیرد، نه در تقلید ظاهر [۹].

معماری ایرانی نمونه‌ای شاخص از شکل‌گیری هویت در یک نظام فضایی منسجم است. این هویت در طول تاریخ، در تعامل با اقلیم، فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه شکل گرفته است. مؤلفه‌های اصلی آن عبارتند از:

- درون‌گرایی و حیاط مرکزی
- سلسله مراتب فضایی
- اقلیم‌گرایی و مصالح بومی
- پیوند با سبک زندگی
- نماد و معنا در هندسه و عناصر معماری

این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که معماری ایرانی نه مجموعه‌ای از نماها، بلکه یک نظام فکری و فضایی منسجم است.



«شکل ۱»: مدل مفهومی تعامل ابعاد سه گانه

هویت معماری منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴

Figure1. Conceptual Model of the Interaction among the Three Dimensions of Architectural Identity

Source: Compiled by the Authors, 2025

«شکل ۱» تعامل میان ابعاد فرهنگی، فضایی و تجربه‌ای را نشان می‌دهد. نقطه تلاقی این سه بعد محل شکل‌گیری «معنای فضایی» است؛ جایی که فرهنگ، سازمان فضایی و تجربه انسانی به وحدت می‌رسند. هرگونه گسست در این تعامل می‌تواند زمینه‌ساز بحران هویت در معماری معاصر شود.

زمینه‌گرایی و هویت

رویکرد زمینه‌گرایی (Contextualism) در معماری، هویت را نه به‌عنوان امری تزئینی یا بازنمایی صرف گذشته، بلکه به‌مثابه برآیند تعامل پویا میان بنا و بستر شکل‌گیری آن

این بعد نشان می‌دهد که معماری چگونه می‌تواند حامل حافظه جمعی، اعتقادات و معناهای فرهنگی باشد و تجربه انسانی را در بستری غنی شکل دهد.

۲-۵- هویت فضایی: نحوه سازمان‌دهی فضا، سلسله‌مراتب فضایی و روابط بین اجزا و محیط. هویت فضایی به تجربه انسانی از فضا معنا می‌دهد و کیفیت زیستی و روانی محیط را تعیین می‌کند.

۳-۵- هویت عملکردی و تجربه‌ای: تجربه انسانی از فضا و ارتباط آن با عملکردهای روزمره، نیازهای زیستی و تعاملات اجتماعی. این بعد نشان می‌دهد که هویت معماری، تنها فرم نیست بلکه تجربه و عملکرد فضا را نیز در بر می‌گیرد.

جدول ۱: ابعاد هویت در معماری و نقش آن‌ها

در شکل‌گیری تجربه انسانی و معماری ایران

Table (1): Dimensions of Identity in Architecture and Their Role in Human Experience and Iranian Architecture

Dimension of Identity	Precise Definition	Role in Human Experience and Spatial Quality	Relationship with the Components of Iranian Architecture
Cultural	Reflection of a Society's Values, Beliefs, Customs, and Lifestyle in Space	Shaping the Collective Memory of Cultural Meanings and Human Experience within a Rich Context	Connection with Culture and Lifestyle, Symbolism, and Meaning
Spatial	Organization of Space, Spatial Hierarchy, and Relationships Between Elements and the Environment	Determining the Environmental and Psychological Quality, Experiencing the Hierarchical Psychological Structure of Space	Introversion, Seclusion, Spatial Hierarchy
Functional and Experiential	Human Experience of Space and Its Connection to Daily Functions, Biological Needs, and Social Interactions	Meeting Biological and Social Needs, Creating Functional and Meaningful Experiences	Climatic Responsiveness, Local Materials, Functional Quality, and Compatibility with Daily Life

منبع: تهیه شده توسط نگارندگان بر اساس منابع پژوهش ۱۴۰۴

Source: Compiled by the Authors based on research references ۲۰۲۵.

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، هویت معماری حاصل تعامل هم‌زمان این سه بعد است. حذف یا تضعیف هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند به گسست معنایی



شکل ۲: نمونه مسکونی معاصر با بازخوانی مؤلفه‌های معماری ایرانی در خانه بروجردی‌های کاشان (درون‌گرایی، مصالح بومی، سازمان فضایی اقلیم‌محور)، منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴

Figure 4. The Borujerdi House in Kashan as a Representative of Iranian Architectural Components (Inward-Oriented Design, Indigenous Materials, and Climate-Responsive Spatial Organization). Source: Authors, 2025



شکل ۳: نمونه نمای نئوکلاسیک در بافت مسکونی معاصر با تأکید بر عناصر فرمی وارداتی منبع: عکس از نگارندگان، ۱۴۰۴

Figure 5. A Neoclassical Façade within a Contemporary Residential Context, Characterized by the Predominant Use of Imported Formal Elements. Source: Photograph by the Authors, 2025

مقایسه تطبیقی دو نمونه ارائه شده نشان می‌دهد که تفاوت اصلی نه در سبک ظاهری، بلکه در منطق طراحی و نسبت آن با زمینه فرهنگی و اقلیمی نهفته است. در شکل ۴، سازمان فضایی، نحوه کنترل نور، انتخاب مصالح و کیفیت حریم، همگی بیانگر تلاشی برای تداوم هویت ایرانی در قالبی معاصر است؛ به گونه‌ای که بنا ضمن برخورداری از بیان مدرن، پیوند خود را با نظام زیست و حافظه فرهنگی حفظ می‌کند. در مقابل، در شکل ۵ نما به عنصر غالب تبدیل شده و عناصر نئوکلاسیک همچون ستون‌های تزئینی و قاب‌بندی‌های سنگین، بیش از آن که از ساختار فضایی یا اقلیم تبعیت کنند، بیانگر گرایش به باز نمایی منزلت والگوهای فراملی‌اند.

یکی از پیامدهای این رویکرد فرمی، کمرنگ‌شدن تمایزات اقلیمی در معماری معاصر ایران است. در معماری سنتی، تفاوت اقلیم‌های سرد، گرم و خشک و مرطوب به‌طور مستقیم در فرم بنا، ضخامت جداره‌ها، نوع بازشوها و مصالح نمود می‌یافت. اما در بسیاری از پروژه‌های امروز، مصالح و نماها بدون توجه به شرایط اقلیمی در مناطق مختلف تکرار می‌شوند؛ به گونه‌ای که الگوهای مشابه را می‌توان در شهرهای با شرایط آب‌وهوایی کاملاً متفاوت مشاهده کرد. این یکنواختی کالبدی، نشانه غلبه منطق بازار و تصویر بر منطق اقلیم و کارایی زیست‌محیطی است.

تفسیر می‌کند. در این نگرش، معماری جزئی منفصل از محیط نیست، بلکه در پیوندی ارگانیک با زمینه طبیعی (اقلیم، توپوگرافی، نور)، زمینه فرهنگی (باورها، حافظه جمعی، الگوهای رفتاری) و زمینه اجتماعی (ساختار روابط، شیوه زیست، نظام تعاملات انسانی) معنا می‌یابد. زمینه‌گرایی امکان آن را فراهم می‌کند که هویت معماری از سطح فرم و نشانه‌های ظاهری فراتر رفته و به لایه‌های عمیق‌تری چون ساختار فضایی، منطق سازمان‌دهی، کیفیت ادراک و تجربه زیسته کاربران نفوذ کند. از این منظر، هویت نه بازتولید صوری عناصر بومی، بلکه بازآفرینی هوشمندانه اصول نهفته در آن‌ها در پاسخ به شرایط معاصر است. بنابراین، زمینه‌گرایی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای سنجش میزان انطباق معماری معاصر با مؤلفه‌های هویتی عمل کند و فاصله میان الگوهای تقلیدی منفک از بستر و طراحی‌های ریشه‌دار در فرهنگ و اقلیم را آشکار سازد. در چنین چارچوبی، هرگاه میان بستر و بنا گسست ایجاد شود، بحران هویت پدیدار می‌گردد؛ و هرگاه این پیوند تقویت شود، معماری واجد معنای فضایی و تعلق فرهنگی خواهد بود، [۱۰].

تحلیل وضعیت معماری معاصر ایران

معماری معاصر ایران در دهه‌های اخیر در بستر تحولات عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته است؛ تحولاتی که از یک‌سو تحت تأثیر جهانی‌شدن، گسترش فناوری‌های نوین ساخت، رسانه‌های تصویری و منطق سرمایه‌محور بازار مسکن قرار دارند، مطالعات داخلی نشان می‌دهد که فرآیند جهانی‌شدن و ورود الگوهای غیر بومی موجب دگرگونی کالبدی و تضعیف انسجام فرهنگی-فضایی شده است؛ پدیده‌ای که در مقیاس روستاهای ایران نیز گزارش شده و از نظر سازوکار اثرگذاری، قابل تعمیم به معماری معاصر شهری است، [۱۱]. و از سوی دیگر با میراثی ریشه‌دار از معماری ایرانی مواجه‌اند که مبتنی بر اقلیم‌گرایی، درون‌گرایی، سلسله‌مراتب فضایی، هندسه معناگرا و پیوند عمیق میان فضا و فرهنگ بوده است.

چالش اصلی در این میان، نه حضور مدرنیته، بلکه نحوه مواجهه با آن است. در بسیاری از پروژه‌های معاصر، این مواجهه به‌جای آنکه به بازتفسیر خلاقانه سنت در قالبی نوین بینجامد، به گسستی آشکار میان کالبد جدید و بستر تاریخی-فرهنگی منتهی شده است. به بیان دیگر، معماری امروز در بخش قابل توجهی از تولیدات خود، از «تداوم تحول‌یافته» به «تقلید فرمی» تغییر جهت داده و در نتیجه، پیوند ارگانیک میان فرم، عملکرد، اقلیم و فرهنگ تضعیف شده است. این وضعیت، معماری معاصر ایران را در موقعیتی قرار داده است: کالبد‌هایی مدرن از حیث تکنولوژی، اما فاقد عمق زمینه‌ای و انسجام هویتی.

در مقیاس شهری، این گسست در قالب تقابل دو رویکرد به‌روشنی قابل مشاهده است: نخست، رویکردی که می‌کوشد با بازخوانی مؤلفه‌های بنیادین معماری ایرانی-تظنیر سازمان فضایی درون‌گرا، کنترل هوشمند نور، استفاده از مصالح بومی و توجه به اقلیم-هویتی معاصر اما ریشه‌دار خلق کند؛ و دوم، رویکردی که بیش از آنکه به منطق زمینه‌ای وفادار باشد، متکی بر الگوهای فرمی وارداتی و بازنمایی‌های نمادین است. در بسیاری از شهرهای ایران، غلبه نماهای نئوکلاسیک سنگین، ستون‌های تزئینی اغراق‌آمیز و پوسته‌های شیشه‌ای تکرارشونده، نشانه جابه‌جایی اولویت طراحی از کیفیت فضایی و پاسخ‌گویی اقلیمی به جلوه بیرونی و ارزش نمادین است.

در این روند، معماری از یک نظام فضایی معنادار به یک «تصویر شهری» تقلیل یافته و نما به سطح اصلی هویت‌بخشی بدل شده است؛ حال آنکه در سنت معماری ایرانی، هویت نه در پوسته، بلکه در ساختار فضایی، سلسله‌مراتب حرکتی و پیوند با اقلیم شکل می‌گرفت. این جابه‌جایی معرفتی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بحران هویت در معماری معاصر ایران به‌شمار می‌آید. «شکل ۳ و ۴»، [۱۲، ۱۳].



شکل ۶: چارچوب مفهومی بازآفرینی هویت زمینه‌مند

در معماری معاصر ایرانی منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴

Figure 6. Conceptual Framework for the Context-Based Regeneration of Identity in Contemporary Iranian Architecture. Source: Authors, 2025

و بر اساس چارچوب نظری استخراج‌شده، دیگرام مفهومی بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران تدوین گردید. در ادامه، ابعاد و لایه‌های این مدل به‌صورت تحلیلی تبیین می‌شود.

تبیین ساختاری مدل بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران

مدل مفهومی ارائه‌شده، بازآفرینی هویت را نه به‌مثابه بازگشت به گذشته، بلکه به‌عنوان فرآیندی ساختاری در بازتنظیم رابطه میان معماری و زمینه تعریف می‌کند. در این چارچوب، هویت محصول برهم‌کنش سه لایه به‌هم‌پیوسته است: لایه فرهنگی-معنایی، لایه اقلیمی-زیستی و لایه نهادی-تصمیم‌گیری. گسست میان این لایه‌ها در دهه‌های اخیر موجب شکل‌گیری فضاهایی شده است که فاقد انسجام درونی و پیوند با بستر اجتماعی خود هستند. از این منظر، بحران هویت نه یک نارسایی فرمی، بلکه نشانه‌ای از اختلال در نظام تولید فضاست؛ نظامی که در آن فرآیند طراحی از زمین‌تاریخی و زیستی جدا شده و به تولید کالدهایی مستقل از بافت فرهنگی انجامیده است. مدل پیشنهادی تلاش می‌کند این گسست را از طریق بازتعریف نسبت میان معنا، عملکرد و اقلیم ترمیم کند و معماری را دوباره در جایگاهیک کنش زمینه‌مند و فرهنگی قرار دهد، [۱۵، ۱۶].

بازخوانی انتقادی سنت در سطح سازمان فضایی

در سطح طراحی، مدل بر این اصل استوار است که مؤلفه‌های هویت‌ساز باید در سازمان فضایی و منطق شکل‌گیری فضا بازتولید شوند، نه در سطح نشانه‌های ظاهری. نتایج پژوهش منتشرشده در مجله «هویت شهر» با عنوان «بررسی تأثیر معماری مدرن بر هویت فرهنگی شهرهای ایران» نشان می‌دهد که استفاده غیرانتقادی از الگوهای مدرن غربی، موجب تضعیف حس تعلق و کاهش خوانایی فرهنگی محیط‌های شهری شده است. همچنین در مقاله «تحلیل مؤلفه‌های هویت‌ساز در معماری معاصر ایران» در مجله «پژوهش‌های معماری اسلامی» تأکید شده است که اصولی نظیر درون‌گرایی، سلسله‌مراتب فضایی و اقلیم‌گرایی تنها در صورتی می‌توانند نقش هویت‌ساز ایفا کنند که در ساختار فضایی پروژه و نحوه شکل‌گیری روابط درونی آن بازتعریف شوند، نه در قالب عناصر تزئینی بر این اساس، مدل پیشنهادی بر بازتفسیر ساختاری سنت تأکید دارد؛ تفسیری که بتواند منطق تاریخی معماری ایران را در تعامل با فناوری، مصالح جدید و تحولات سبک زندگی معاصر بازتولید کند.

بازتنظیم نقش ضوابط شهری در هدایت کیفیت فضایی

لایه نهادی مدل، بر این فرض استوار است که کیفیت هویت‌مند فضا بدون اصلاح چارچوب‌های سیاست‌گذاری پایدار نخواهد ماند. طی دهه‌های گذشته، تمرکز ضوابط شهری بر شاخص‌های کمی همچون تراکم، ارتفاع و ترکیب نما، موجب شده است که معیارهای کیفی سازمان فضایی و پاسخ اقلیم‌مدر حاشیه قرار گیرند. این رویکرد، تولید معماری‌ایک‌نواخت و بی‌تفاوت نسبت به تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی را تشدید کرده است. مدل پیشنهادی، گذار از «کنترل شکل» به «هدایت کیفیت» را ضروری می‌داند؛ به این معنا که شاخص‌های ارزیابی باید بر انسجام فضایی، مقیاس انسانی، تعاملات اجتماعی و پیوند با بافت تاریخی متمرکز شوند. تنها در چنین شرایطی است که طراحی هویت‌مند می‌تواند در بستر نهادی استمرار یابد و به نمونه‌هایی استثنایی و مقطعی محدود نشود.

تحلیل نهادی بحران هویت و ضرورت زمینه‌گرایی

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که وابستگی سیاست‌های شهری به منطق اقتصادی کوتاه‌مدت و غلبه نگاه سرمایه‌محور بر ساخت‌وساز، از عوامل اصلی تضعیف هویت معماری بوده است. در مقاله «تحلیل وضعیت هویت در معماری معاصر ایران» منتشرشده در مجله «هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی» تصریح شده است که تقلیل کیفیت فضایی به معیارهای اقتصادی، انسجام فرهنگی محیط‌های شهری را کاهش داده و به شکل‌گیری معماری بی‌مکان انجامیده‌است. همچنین پژوهش «بازخوانی مفهوم زمینه‌گرایی در

پژوهش‌های جدید نیز این روند را تأیید می‌کند. نشان می‌دهند که نفوذ الگوهای مدرن ونئوکلاسیک بدون انطباق با بستر فرهنگی و اقلیمی، به تضعیف هویت کالبدی شهرهای ایران انجامیده است.

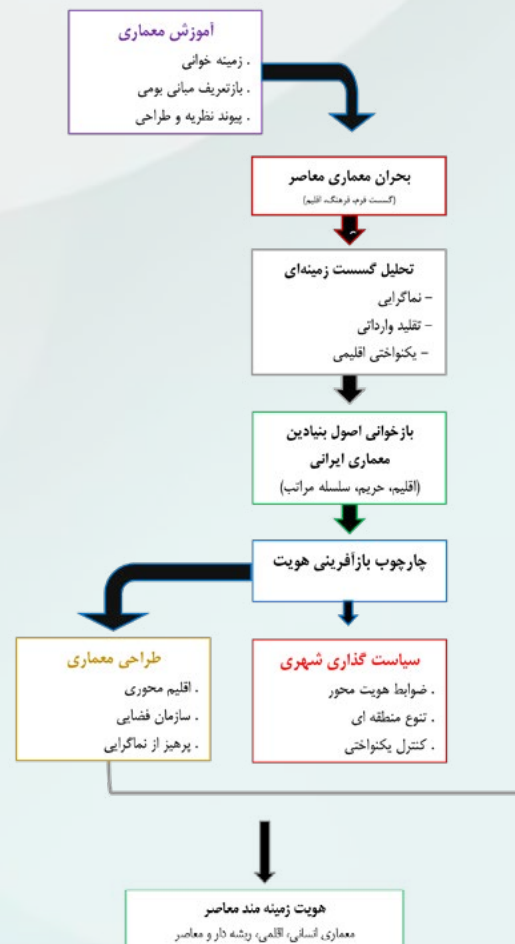
براین اساس، آنچه در تصاویر مشاهده می‌شود، صرفاً تفاوت دو نما نیست، بلکه بازتاب یک روند گسترده‌تر در معماری معاصر ایران است: جابه‌جایی اولویت از کیفیت فضایی، پیوند فرهنگی و انطباق اقلیمی به بازنمایی صوری و ارزش‌های نمادین. این روند، در صورت تداوم، می‌تواند به یکنواختی کالبدی، کاهش حس تعلق شهری و تضعیف تنوع اقلیمی-فرهنگی کشور منجر شود.

در مجموع، بحران معماری معاصر ایران را می‌توان در سه سطح به‌هم‌پیوسته تحلیل کرد:

۱. گسست فرمی و تقلید سبک‌های وارداتی
 ۲. تضعیف پیوند میان فضا و نظام فرهنگی-رفتاری جامعه ایرانی
 ۳. نادیده‌گرفتن منطق اقلیم و زمینه جغرافیایی در فرآیند طراحی.
- چالش اصلی معماری امروز ایران نه کمبود فناوری، بلکه ضعف در پیوند میان کالبد، فرهنگ و اقلیم است. بازگشت به هویت نیز به معنای بازتولید تاریخی یا تقلید از گذشته نیست، بلکه مستلزم بازخوانی انتقادی اصول بنیادین معماری ایرانی و انطباق خلافت آن با شرایط معاصر است؛ رویکردی که می‌تواند معماری را از سطح پوسته نمایشی به سطح نظام فضایی معنادار ارتقا دهد.

چارچوب پیشنهادی برای بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران

بحران هویت در معماری معاصر ایران، اگرچه در ظاهر تحت تأثیر سبک‌های فرمی جهانی یا تقلید نماهای غیر زمینه‌ای به نظر می‌رسد، در عمق خود ریشه در گسست میان مبانی زمینه‌ای-فرهنگی و منطق اقلیمی دارد؛ موضوعی که پژوهش‌های داخلی نیز آنرا تأیید کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که معماری معاصر، در بسیاری از موارد، بیش از آنکه پاسخ‌گوی نیازهای بومی و زمینه‌ای باشد، با تمرکز بر نما و نمایش فرم‌های بین‌المللی به تقلید از الگوهای جهانی روی آورده است، [۱۴].



مقایسه با پژوهش‌های داخلی

پژوهش‌های اخیر داخلی تأیید می‌کنند که تقلید صرف از الگوهای مدرن یا نئوکلاسیک بدون بازتعریف در چارچوب بومی، باعث کاهش حس تعلق و تضعیف خوانایی فرهنگی فضاهای شهری شده است، [۱۴]. همچنین مطالعات دیگر نشان داده‌اند که استفاده از اصول سنتی، اگر در ساختار فضایی و فرآیند طراحی بازتفسیر نشود، صرفاً جنبه تزئینی پیدا کرده و نمی‌تواند به بازآفرینی هویت منجر شود. مدل پیشنهادی پژوهش با تأکید بر بازخوانی خلاقانه سنت، توجه همزمان به اقلیم و ایجاد پیوند میان نهادها و فرآیندهای تصمیم‌گیری، این خلأ را پر می‌کند.

اهمیت هم‌افزایی سه‌سطحی

باشد. این رویکرد نه تنها پاسخگوی نیازهای امروز است، بلکه مسیر تداوم هویت معماری ایرانی را نیز فراهم می‌آورد و از گسست تاریخی- فرهنگی جلوگیری می‌کند.

راه حل بحران هویت در معماری معاصر ایرانی

بحث نشان می‌دهد که هر یک از سطوح طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش به‌تنهایی کافی نیستند. تمرکز صرف بر طراحی، بدون اصلاح ضوابط و سیاست‌ها، به تولید نمونه‌های محدود و غیرپایدار منجر می‌شود. از سوی دیگر، اصلاح سیاست‌گذاری بدون تربیت معماران زمینه‌شناس و آموزش روش‌های تحلیلی، نمی‌تواند معماری هویت‌مند را استمرار بخشد. بنابراین هم‌افزایی میان این سه سطح، پیش‌شرط گذار از معماری تقلیدی و گسسته به معماری هویت‌مند و زمینه‌محور است.

پیامدهای کاربردی مدل

مدل پیشنهادی می‌تواند راهنمای عملیاتی برای:

- معماران: بازتفسیر اصول سنتی در طراحی معاصر
- سیاست‌گذاران شهری: تدوین ضوابط هویت‌محور و زمینه‌محور
- نظام آموزشی: تقویت استودیوها و برنامه‌های درسی مبتنی بر تحلیل زمینه و هویت بحران هویت در معماری معاصر ایران، نه صرفاً یک مسئله فرم و نما، بلکه نشانه گسست عمیق میان زمینه فرهنگی- اقلیمی، اصول بنیادین معماری ایرانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری طراحی است. بسیاری از پروژه‌های امروز، بدون درک عمیق از بافت اجتماعی، فرهنگ زیستی و اقلیم بومی، تنها تقلید فرم‌های جهانی نئوکلاسیک را تکرار می‌کنند و به این ترتیب، هویت کالبدی و معنایی خود را از دست داده‌اند؛ شرایطی که محققان معماری آن را نتیجه غفلت از زمینه و بی‌توجهی به مؤلفه‌های هویت‌ساز دانسته‌اند، به‌گونه‌ای که با کاهش پیوند میان فرم، معنا و عملکرد باعث ضعف در تجربه فضایی و تعلق فرهنگی شده است، [۲۰]. برای پاسخ به این بحران، راه‌حل باید فراتر از بازتولید ظاهری باشد و به تحلیل ساختاری و پیوند عمیق با زمینه فرهنگی- اقلیمی بپردازد.

راه‌حل عملی این بحران نیازمند یک چارچوب سه‌سطحی و هم‌افزا است که تمامی عوامل مؤثر بر معماری را در نظر بگیرد:

۱- سطح طراحی معماری- بازتفسیر خلاقانه اصول بنیادین ایران

در این سطح، معماری ایرانی باید به صورت نوآورانه و کاربردی در پروژه‌های معاصر بازخوانی شود:

- اقلیم‌گرایی و مصالح بومی: هر پروژه باید پاسخ‌گوی شرایط اقلیمی منطقه باشد؛ برای مثال استفاده از حیاط مرکزی، دیوارهای حجیم و شبکه‌های تهویه طبیعی در مناطق گرم و خشک، یا تراس‌ها و ...
- درون‌گرایی و سلسله‌مراتب فضایی: فضاها باید بر اساس اهمیت عملکردی و تجربه انسانی سازماندهی شوند، بدون اینکه صرفاً فرم تزئینی باشند.
- معنابخشی و نمادهای فرهنگی: طراحی باید حامل هویت فرهنگی باشد و هر عنصر معماری (نور، نما، هندسه، مترال) با فرهنگ و تاریخ ایرانی هماهنگ شود.
- توسعه مهارت‌های طراحی خلاقانه و بومی: نه تقلید از سبک‌های جهانی، بلکه خلق فرم‌هایی که پاسخ‌گوی نیازهای امروز، با حفظ هویت ایرانی باشد.
- ترکیب پژوهش و پروژه عملی: دانشجویان باید از همان ابتدا تجربه طراحی بر اساس داده‌ها، تحلیل اقلیم و فرهنگ را داشته باشند.

معماری ایران معاصر» در مجله «باغ نظر» نشان می‌دهد که تقویت رویکرد زمینه‌محور در سیاست‌گذاری می‌تواند پیوند میان معماری و بستر اجتماعی- اقلیمی را بازسازی کند و از گسترش الگوهای ناهمخوان جلوگیری نماید، [۱۷، ۱۸].

هم‌افزایی سه‌سطحی و گذار به تداوم تحول‌یافته

در جمع‌بندی تحلیلی مدل، می‌توان گفت که بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران تنها از طریق هم‌افزایی میان سه سطح طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش تحقق می‌یابد. هر یک از این سطوح به‌تنهایی ناکافی است و فقدان تعامل میان آن‌ها به بازتولید چرخه گسست می‌انجامد. مدل مفهومی ارائه‌شده، هویت را به‌عنوان فرآیندی پویا و بازتولیدشونده تعریف می‌کند که در آن سنت به‌صورت انتقادی بازخوانی می‌شود، زمینه به‌دقت تحلیل می‌گردد و پاسخ‌های معماری در تعامل خلاق با شرایط معاصر شکل می‌گیرند. چنین رویکردی امکان گذار از وضعیت تقلید و گسست به سوی تداوم تحول‌یافته را فراهم می‌آورد؛ تداومی که در آن معماری نه صرفاً کالبدی ساخته‌شده، بلکه تجلی فرهنگ، اقلیم و زیست ایرانی خواهد بود.

تحلیل مدل بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران

مدل مفهومی ارائه‌شده، بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران را نه به‌عنوان بازگشت صرف به گذشته، بلکه به‌عنوان فرآیندی ساختاری و سه‌لایه‌ای تحلیل می‌کند. این مدل نشان می‌دهد که بحران هویت، صرفاً یک مسئله فرمی نیست؛ بلکه ناشی از گسست میان زمینه فرهنگی- اجتماعی، بستر اقلیمی و فرآیندهای نهادی است. در بسیاری از پروژه‌های معاصر، تمرکز بیش از حد بر نما و الگوهای وارداتی، موجب شده که فرم، عملکرد و تجربه فضایی از هم جدا شوند و معماری به سطح «بازنمایی صوری» تقلیل‌یابد، [۱۹].

جدول ۲: مقایسه مدل پیشنهادی با رویکردهای پیشین و تبیین تفاوت‌های آن از منظر انسجام هویتی، زمینه‌گرایی، و توجه به عوامل فرهنگی و اقلیمی

Table (2) compares the proposed model with previous approaches, highlighting the differences in the level of identity coherence, responsiveness to context, and attention to culture and climate.

Approach	Concentration	Level of Analysis	Attention to Context	Limitation
Formal Approach	Facade and Decorative Elements	Surface Level	Low	Disregard for Function and Culture
Functional Approach	Practicality and Function	Functional	Medium	Weakness in Meaning and Cultural Context
Proposed Research Model	Meaning + Climate + Structure	Three-Layered Structure	High	—

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴

Source: The Authors, 2025

«جدول ۱» نشان می‌دهد که مدل ارائه‌شده با ادغام سه سطح طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش، بر انسجام هویتی، پاسخ به زمینه و هماهنگی فرهنگی- اقلیمی تأکید می‌کند؛ ویژگی‌هایی که در رویکردهای قبلی وجود ندارد یا ضعیف است.



آموزشی و هدایت پروژه‌های معماری در مقیاس‌های مختلف باشد. از این منظر، پژوهش حاضر صرفاً یک تحلیل نظری نیست، بلکه پیشنهادی عملی برای گذار از بحران موجود به سوی معماری‌ای پایدار، معنادار و زمینه‌محور است. در نهایت، اگر معماری را تجلی کالبدی فرهنگ بدانیم، تداوم بحران هویت به معنای تضعیف بازنمایی فرهنگی در عرصه شهری خواهد بود. اما با به کارگیری چارچوب پیشنهادی این پژوهش، می‌توان مسیر معماری معاصر ایران را از تقلید و گسست به سوی خلاقت زمینه‌مند و پایداری فرهنگی تغییر داد. چنین تحولی نه تنها کیفیت فضایی شهرها را ارتقا می‌دهد، بلکه امکان می‌دهد معماری بار دیگر به جایگاه اصیل خود به عنوان آینه فرهنگ، اقلیم و زیست ایرانی بازگردد.

منابع:

- [1] M. B. Bahmani, M. G. Soroush, and M. Zarei, "Investigating Context-Oriented Factors in the Urban Fabric and Historic District of Sanandaj: A Case Study of Vakil-ol-Molk Mansion," *Iranian Islamic City Studies Journal*, vol. 7, no. 26, pp. 37- 51, Winter 2017. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/177387/fa>
- [2] M. Mahdi Hamzehnezhad and M. Mahjoub, "An Analytical Dialogue on the Evaluation of Contextual Architectural Methods and Urban Planning Practices Across Different Time Periods," *Urban Management Journal*, no. 37, pp. 45- 60, Winter 2015. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/153902/fa>
- [3] A. Akbari, K. Bozorgfekan, F. Tehrani, and H. Soltanali, "Explaining Contextualism and Regionalism Design Methods in Iranian Architecture," *Urban Management Journal*, no. 48, pp. 327- 342, Autumn 2018. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/186724/fa>
- [4] H. Ranjbar, M. Vafamehr, S. M. K. Sahaf, and M. Tabasi, "A Comparative Analysis of the Crisis of Meaning and the Quest for Spirituality: A Case Study of Contemporary Residential Architecture in the West and Iran," *Tajalli Honar in Architecture and Urbanism*, vol. 3, no. 3, pp. 1- 20, Autumn 2025. [Online]. Available: <https://www.jmaae.org/index.php/jmaae/article/view/102>
- [5] H. Shayan and S. M. Dezfouli, "A Comparative Study of Approaches in Contemporary Iranian Architecture: A Theoretical Analysis of the Works of Three Generations of Architects," [Online]. Available: <https://www.magiran.com/paper/1426329>
- [6] A. Akbari, K. Bozorgfekan, F. Tehrani, and H. Soltanali, "Explaining Contextualism and Regionalism Design Methods in Iranian Architecture," *Modiriyat-e Shahri*, no. 48, pp. 327- 342, Autumn 2018. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/186724/fa>
- [7] M. B. Bahmani, M. G. Soroush, and M. Zarei, "Investigating Context-Oriented Factors in the Historic Urban Fabric of Sanandaj," *Iranian Islamic City Studies Journal*, vol. 7, no. 26, pp. 37- 51, Winter 2017. [Online]. Available: <https://sid.ir/paper/177387/fa>
- [8] H. Ranjbar, M. Vafamehr, S. M. K. Sahaf, and M. Tabasi, "A Comparative Analysis of the Crisis of Meaning and the Quest for Spirituality: A Case Study of Contemporary Residential Architecture in the West and Iran," *Tajalli Honar in Architecture and Urbanism*, vol. 3, no. 3, pp. 1- 20, 2025. [Online]. Available: <https://www.jmaae.org/index.php/jmaae/article/view/102>
- [9] G. Memarian, *An Introduction to Iranian Residential Architecture*. Tehran, Iran: Iran University of Science and Technology Press, 2008. [Online]. Available: <https://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1105635>
- [10] A. Zand Davoudi, F. Tolouei Asl, and Sh. Saadati, "A Study of Contextualism and Regionalism and Their Influence on Architecture," in 4th National Conference on Civil Engineering, Architecture, and Urban Design, 2022. [Online]. Available: <https://isnac.ir/XAGB-CKHGB>
- [11] H. Feridonzadeh, "A Critique of the Effects of Globalization on the Physical Fabric of Iranian Villages," *Nazar Online*, 2018. [Online]. Available: <https://nazaronline.ir/3792/>
- [12] M. Moazzami and A. Hojjat, "The Roots of Cultural Discontinuity and Identity Loss in Contemporary Iranian Architecture," *Armanshahr Architecture and Urban Development Journal*, no. 21, pp. 103- 112, Winter 2018. [Online]. Available: <https://www.caoi.ir/fa/study/1138-%D8%B1%D8%8C%D8%B4%D9%87-%D9%87%D8%A7%D8%8C-%DA%AF%D8%B3%D8%B3%D8%AA-%D9%88-%DA%AF%D9%85-%DA%AF%D8%B4%D8%AA%DA%AF%D8%8C-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%D8%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%8C-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B5%D8%B1-%D8%A7%D8%B8%D8%B1%D8%A7%D9%86.html>
- [13] A. D. Maslahatjoo, M. Ghasemi Sichani, V. Ghobadian, and B. Abdolkarimi, "Qualitative Analysis of the Components Affecting Contemporary Iranian Architecture: Emphasizing the Transition from Modernism to Postmodernism," *Design and Planning Journal*, vol. 3, no. 1, pp. 72- 88, 2024. [Online]. Available: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/dpau>
- [14] M. Hosseini-Tabatabaei and Z. Mousavifard, "A Study on the Impact of Modern Architectural Style on the Cultural Identity of Iranian Cities," *Tajalli Honar in Architecture and Urbanism*, vol. 2, no. 2, pp. 1- 15, 2022. [Online]. Available: <https://www.jmaae.org/>

این سطح تضمین می‌کند که فرم جدید، هم از نظر عملکردی و هم از نظر هویتی، با زمینه فرهنگی- اقلیمی همخوان باشد و معماری دوباره «معنادار» شود

۲- سطح سیاست‌گذاری و ضوابط شهری- بازتعریف قواعد هویت‌محور

بدون حمایت سیاست‌گذاری و ضوابط شهری مناسب، حتی بهترین طراحی‌ها نیز نمی‌توانند هویت‌مند باقی بمانند:

- توجه به تنوع اقلیمی و فرهنگی: ضوابط باید برای مناطق مختلف، ویژگی‌ها و محدودیت‌های اقلیمی و فرهنگی را در نظر بگیرند.
- محدود کردن تکرار الگوهای وارداتی: جلوگیری از یکسان‌سازی نماها و فرم‌ها در اقلیم‌های مختلف.

- تقویت کیفیت عملکردی فضا و انسجام اجتماعی- فضایی: تمرکز صرف بر نماهای تزئینی یا تقلیدی جای خود را به تجربه فضایی واقعی و پیوند با رفتارهای انسانی بدهد. این سطح، بدنه اجرایی بازآفرینی هویت را تضمین می‌کند و باعث می‌شود معماری شهری ایران دوباره انسجام زمینه‌محور و فرهنگی- اقلیمی پیدا کند.[۲۱].

جمع بندی راه حل

هم‌افزایی این سه سطح - طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش - مسیر بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران را هموار می‌کند. معماری دوباره به فضایی معنادار، پایدار و زمینه‌محور تبدیل می‌شود، نه صرفاً پوسته‌ای نمایشی تقلیدی. این چارچوب، هویت ایرانی را نه تنها در فرم و نما، بلکه در عملکرد، تجربه انسانی و فرهنگ زنده شهری احیا می‌کند و تضمین می‌کند که معماری معاصر بتواند دوباره تجلی فرهنگ، اقلیم و زیست ایرانی باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بحران هویت در معماری معاصر ایران، نه یک مسئله سطحی فرمال یا زیبایی‌شناختی، بلکه بحرانی ساختاری و چند لایه است که از گسست میان زمینه فرهنگی- اجتماعی، بستر اقلیمی و ساز و کارهای تصمیم‌گیری طراحی ناشی می‌شود. این گسست موجب شده معماری در بسیاری از نمونه‌های معاصر به «بازنمایی صوری» تقلیل یابد؛ به گونه‌ای که فرم از معنا، عملکرد از زمینه و کالبد از فرهنگ جدا شده است. بر این اساس، پاسخ به سؤال پژوهش روشن است: بازآفرینی هویت در معماری معاصر ایران تنها از مسیر بازپیوند نظام‌مند میان طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش معماری امکان‌پذیر است؛ نه از طریق تقلید تاریخی و نه با پذیرش بی‌واسطه الگوهای جهانی.

مدل سه‌سطحی ارائه‌شده در این پژوهش نشان داد که احیای هویت، فرآیندی تدریجی و هم‌افزاست. در سطح طراحی، باز تفسیر خلاقانه اصول بنیادین معماری ایرانی همچون اقلیم‌گرایی، سلسله‌مراتب فضایی، درون‌گرایی و معناگرایی فضایی می‌تواند فرم را دوباره به عملکرد و فرهنگ پیوند دهد. در سطح سیاست‌گذاری، بازتعریف ضوابط شهری بر مبنای شاخص‌های هویت‌محور و زمینه‌گرا، از تداوم الگوهای تقلیدی جلوگیری می‌کند و انسجام فضایی- اجتماعی را تقویت می‌نماید. در سطح آموزش، پرورش توان تحلیل بستر و تولید راه‌حل‌های بومی در استودیوهای طراحی، چرخه بازتولید بحران را متوقف می‌سازد. هم‌افزایی این سه سطح، معماری را از وضعیت واکنشی و نمایشی خارج کرده و آنرا به کنشی آگاهانه، زمینه‌مند و فرهنگی تبدیل می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هویت معماری نه در بازسازی فرم‌های تاریخی و نه در گسست کامل از سنت شکل می‌گیرد، بلکه در «بازخوانی انتقادی سنت در بستر معاصر» تحقق می‌یابد. بدین معنا که سنت، منبع الهام ساختاری و معنایی است، نه الگوی تقلیدی. چنین رویکردی امکان می‌دهد معماری معاصر ایران، ضمن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و پاسخ به نیازهای جدید، پیوند خود را با اقلیم، فرهنگ و زیست ایرانی حفظ کند. این نگاه، هویت را از یک مفهوم انتزاعی به یک راهبرد عملی طراحی تبدیل می‌کند.

نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه چارچوبی یکپارچه است که برای نخستین بار سه حوزه طراحی، سیاست‌گذاری و آموزش را به عنوان اجزای وابسته یک نظام هویت‌ساز تحلیل می‌کند. این مدل می‌تواند مبنایی برای تدوین ضوابط شهری، اصلاح برنامه‌های

civilica.com/doc/1326192/

- [20] A. D. Maslahatjoo, M. Ghasemi Sichani, V. Ghobadian, and B. Abdolkarimi, "Qualitative Analysis of the Components Affecting Contemporary Iranian Architecture: Emphasizing the Transition from Modernism to Postmodernism," *Design and Planning Journal*, vol. 3, no. 1, pp. 72- 88, 2024. [Online]. Available: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/dpau>
- [21] F. Akbari, "Revisiting the Role of Urban Policy-Making in Shaping Cultural- Climatic Identity in Iranian Cities," *Fine Arts Journal: Architecture and Urban Planning*, no. 20, pp. 25- 44, 2024. [Online]. Available: http://www.honarnamih.org/article_3125.html
- [22] H. Feridonazadeh, M. Sartipipour, B. Saleh Sedghpour, and N. Barati, "Modeling the Morphological Norms of Rural Housing in the Cold Mountainous Climate of Ardabil Province," *Journal of Rural Research*, vol. 9, no. 4, pp. 662- 675, 2018, doi: 10.22059/jrur.2018.250421.1214.

<index.php/jmaue/article/view/2>

- [15] G. Farjami and G. Farivardadri, "Latest Attempts in Contemporary Iranian Architecture in Search for Authenticity," *Journal of Architecture and Urbanism*, vol. 44, no. 2, pp. 176- 187, 2020. [Online]. Available: <https://doi.org/10.3846/jau.2020.12165>
- [16] M. Norouzi and P. Mousavi, "Redesign and Regeneration of Cultural- Spatial Identity in Contemporary Iranian Architecture (Case Study: Historic Houses of Tehran)," *Journal of Islamic Art and Civilization, University of Tehran*, vol. 15, no. 1, pp. 57- 75, 2023. [Online]. Available: <https://www.sid.ir/paper/261345/fa>
- [17] K. Frampton, "Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance," in *The Anti-Aesthetic: Essays on Postmodern Culture*. Seattle, WA, USA: Bay Press, 1983. [Online]. Available: https://monoskop.org/images/0/05/Frampton_Kenneth_Towards_a_Critical_Regionalism.pdf
- [18] N. Naqavi and H. Mazaherian, "Analysis of Contemporary Theories on Contextual Approaches in Architectural Design," *Bagh-e Nazar Scientific Journal*, no. 16, pp. 31- 63, 2019. [Online]. Available: https://www.bagh-sj.com/article_90999_d1a028c1c7fd251b684729b-12b9a6654.pdf
- [19] "A Comparative Study of the Contextualism Approach in Contemporary Iranian Architecture (Case Study: Fars National Archives and Library Center)," in *National Conference on Architecture, Civil Engineering, and Urban Development*, 2021. [Online]. Available: <https://>

